

An Elucidation of "Ityan Anba" and Its Correlation with the Era of Reappearance: A Study Based on the Qur'an and Traditions

Dr. Mohammad-Hadi Mansouri ¹

Mohsen Fazel Bakhshayesh ²

Abstract

In certain verses of the Holy Qur'an, Almighty God threatens a group of disbelievers with the "coming of tidings" (إتيان أنباء). Since the concept of being informed of news does not inherently align with the notion of a threat, commentators have sought to justify this phrase through various interpretations, such as figurative speech, implied omission, and deliberate ambiguity. This study, employing a descriptive-analytical method, draws upon the traditions of the Ahl al-Bayt (a) as well as contextual indicators and the interpretive method of explaining the Qur'an through the Qur'an itself to uncover the hidden meaning of these verses. The findings indicate that interpretive traditions, in their explication of the multilayered meanings of Qur'anic terminology, have frequently interpreted the term "tidings" (أنباء) in several verses as referring to the authority (wilayah) of the rightful Imams. Furthermore, these traditions often identify the object of the disbelievers' ridicule as the governance of the Ahl al-Bayt (a) during the era of reappearance. The results of this research demonstrate that God's threat in the Qur'anic verses concerning the "coming of tidings" actually alludes to the establishment of the governance of the rightful Imams in the era of reappearance. The disbelievers, through their denial and mockery of this authority during the period of occultation, were, in essence, deriding this profound reality. However, in the context of this divine threat, God declares that the realization of this divine tidings and the establishment of the rightful governance during the era of reappearance is inevitable.

Keywords: Analysis of Disbelievers' Threat, Ityan Anba', Inevitable Realization of the Era of Reappearance, Object of Mockery

-
1. Assistant Professor, Department of Qur'an and Hadith Studies, University of Islamic Maaref, Qom, Iran (Responsible Author) (mansouri@maaref.ac.ir)
 2. Ph.D. Candidate in Qur'an and Hadith Pedagogy, University of Islamic Maaref, Qom, Iran (mohsenfazel1373@gmail.com)

تبیین «اتیان انباء» و رابطه سنجی آن با عصر ظهور با تأکید بر قرآن و روایات*

محمدهادی منصوری^۱

محسن فاضل بخشایش^۲

چکیده

در برخی از آیات قرآن کریم، خدای سبحان، گروهی از کافران را تهدید به «اتیان انباء» می‌کند. از آن جا که آگاهی بر خبر، تناسبی با مقام تهدید ندارد، مفسران در توجیه آن برآمده و نظرات مختلفی همچون مجازگویی، تقدیر محذوف و تعدد در ابهام بیان کرده‌اند. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی، ضمن بهره‌گیری از احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام) و قرینه سیاق و نیز تکیه بر روش تفسیر قرآن با قرآن، در پی پرده‌برداری از معنای پنهان این آیات است. یافته‌ها حاکی است که احادیث تفسیری، در مقام بیان لایه‌های معنایی واژگان قرآن کریم، در آیات متعددی، کلمه «انباء» را به ولایت امامان حق معنا کرده‌اند. همچنین این احادیث در موارد متعددی، متعلق استهزاء کافران را حکومت اهل بیت (علیهم‌السلام) در عصر ظهور دانسته‌اند. نتایج این تحقیق، نشان می‌دهد تهدید خداوند در آیات قرآن به «اتیان انباء» در واقع اشاره به تحقق دولت امامان حق در عصر ظهور دارد. کافران با تکذیب و استهزاء نسبت به این ولایت در دوران غیبت امام، در حقیقت این حقیقت را به تمسخر می‌گرفتند. اما خداوند در مقام تهدید به آنها اعلام می‌کند که تحقق این خبر الهی و برپایی دولت حق در عصر ظهور اجتناب‌ناپذیر است.

واژگان کلیدی

واکاوی تهدید کافران، اتیان انباء، تحقق حتمی عصر ظهور، متعلق استهزاء.

مقدمه

در برخی از آیات قرآن کریم، سخن از گروهی است که «حق» را تکذیب کرده و آن را به سخره می‌گیرند. خدای متعال، ایشان را به عذابی در آینده، وعده می‌دهد. یکی از این آیات، آیه پنجم سوره انعام است. این آیه، پس از آن که این گروه را به سبب اعراض و تکذیب آیات

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۲۸

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۳۰

۱. استادیار گروه معارف قرآن و حدیث دانشگاه معارف اسلامی قم، ایران (نویسنده مسئول) (mansouri@maaref.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری مدرسی قرآن و حدیث دانشگاه معارف اسلامی قم، ایران (mohsenfazel1373@gmail.com).

خدای سبحان مورد عتاب قرار می‌دهد، آگاهی ایشان بر اخبار مسخره‌شدگان در آینده را به عنوان تهدید، بیان کرده و می‌فرماید:

﴿فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ (انعام: ۵).

معنای کلام، ابهام دارد، زیرا آیه شریفه در مقام تهدید به عذاب است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۱۲، ۴۸۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۷، ۱۷). در حالی که آگاهی بر اخبار، تناسبی با آن ندارد. همچنین متعلق استهزاء نیز مبهم و نامشخص است. مفسران در پرده‌برداری از معنای پنهان این آیه، کوشیده‌اند. به عنوان نمونه، برخی مراد از کلمه «أَنْبَاءُ» را «عذاب» دانسته (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۱۲، ۴۸۴) و برخی دیگر آن را به «عواقب شوم اعمال» تفسیر کرده‌اند (ابن جوزی، ۱۴۲۵ق: ج ۱، ۹۳؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ش: ج ۵، ۱۵۴). در بیان متعلق «استهزاء» نیز، به عنوان مثال، برخی «حق» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۷، ۱۷)، گروهی «قرآن کریم» (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۶؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۶، ۱۸) و بعضی «عذاب» (سمرقندی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ۴۳۵) را ذکر کرده‌اند. در کشف غرض خدای متعال و حکمت استعمال کلمه «أَنْبَاءُ» نیز سخنان گوناگونی بیان شده است. این تلاش‌ها، با موشکافی، سعی در توجیه ظاهر آیات و رفع موانع فهم آن‌ها دارند، اما علاوه بر عدم توجه به معنای عمیق آیات، به پشتوانه محکمی نیز تکیه نکرده و سند متقنی همچون قرآن و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) ارائه نداده‌اند. این موارد، بازپژوهی در مراد از کلمه «أَنْبَاءُ» و تعیین متعلق «استهزاء» را ایجاب می‌کند. با توجه به گستردگی و پیچیدگی معانی قرآن کریم، تفسیر آیات به‌ویژه در مواردی که ابهاماتی در معنای ظاهری وجود دارد، نیازمند روش‌های دقیق‌تری است. یکی از این روش‌ها، تفسیر قرآن با قرآن و استفاده از روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) است که می‌تواند به فهم دقیق‌تر این آیات کمک کند. نوشتار حاضر، با استفاده از شیوه تفسیر اجتهادی و تأکید بر روش تفسیر قرآن با قرآن و بهره‌گیری از روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) و توجه به قرینه سیاق، سعی در زدودن ابهام از چهره آیه پنجم سوره انعام و نظائر آن دارد. تلفیق روش قرآن با قرآن و روش روایی در تفسیر قرآن کریم، شیوه برخی از مفسران نزدیک به عصر اهل بیت (علیهم‌السلام) است. به عنوان نمونه، علی بن ابراهیم قمی، در تفسیر آیه «لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ» (یونس: ۶۴)، مراد از «کلمات» را امامت اهل بیت (علیهم‌السلام) دانسته و دلیل آن را روایتی دانسته است که در تفسیر آیه ۲۸ سوره زخرف، این کلمه را به امامت معنا کرده است (قمی، ۱۳۶۳ش: ج ۱، ۳۱۴). لازم به ذکر است غالب کتاب‌های تفسیری که ذیل این آیه سخن گفته‌اند پیشینه عام این مسئله محسوب می‌شوند. هدف این تحقیق، تبیین معنای دقیق آیه ۵ سوره انعام و رفع ابهامات آن از طریق استفاده از منابع معتبر و

تحلیل‌های روایی است. این تحقیق سعی دارد تا با ترکیب روش قرآن با قرآن و روش‌های تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام، به‌ویژه در زمینه‌هایی که به تهدید و عذاب در قرآن مربوط می‌شود، به روشن شدن معنای آیه کمک کند. همچنین در مقاله «مفهوم سنجی روایی و زبان شناختی النبأ العظیم در سوره نبأ»، مراد از «النبأ العظیم» در سوره نبأ، مورد بررسی قرار گرفته است اما در توجیه علت تهدید به انباء در آیه پنج سوره انعام و نظائر آن، پژوهش مستقلاً انجام نشده است. این مقاله در سه بخش تدوین یافته است. در بخش نخست، معنای آیات پنج سوره انعام، شش سوره شعراء و ۸۸ سوره ص، در بخش دوم، چاره‌جویی و نظرات مفسران و در بخش سوم، دیدگاه منتخب، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تحلیل معنای آیات مرتبط با «آیات انباء» در سوره‌های انعام، شعراء و ص

به جهت روشن شدن مسئله بررسی معنای آیات یادشده ضروری است. این بخش، عهده‌دار بررسی اجمالی آیات پنج سوره انعام، شش سوره شعراء و ۸۸ سوره ص می‌باشد.

۱. بررسی اجمالی آیه پنج سوره انعام

سوره انعام از سوره‌های مکی بوده (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ج ۴، ۴۲۱) و در غالب آیات آن، مشرکان، مورد خطاب قرار گرفته‌اند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ ش: ج ۵، ۱۴۳). در این آیات، دلایل و حجت‌های گوناگونی علیه باورهای مشرکان، اقامه شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ج ۷، ۵). یکی از این آیات، آیه پنج این سوره می‌باشد. در این آیه، سخن، پیرامون روحیه استکبار و لجاجت مشرکان (قشیری، ۲۰۰۰ م: ج ۱، ۴۶۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ج ۵، ۱۵۳) در پذیرش حق و نشانه‌های خدای سبحان است. آیه شریفه، ایشان را به جهت تکذیب حق، سرزنش کرده و می‌فرماید:

﴿فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ (انعام: ۵).

از فراز پایانی آیه به دست می‌آید که مشرکان، علاوه بر تکذیب حق، آن را به سخره نیز می‌گرفتند (طوسی، بی‌تا: ج ۴، ۸۰؛ ابوحنیفان، ۱۴۲۰ ق: ج ۴، ۴۳۷). به همین جهت، خدای متعال، آنها را به عذابی عجیب تهدید می‌کند. خدای متعال، تمسخر حق را مستحق عذاب می‌داند، اما در مقام تهدید به عذاب، از آمدن اخبار چیزی که آن را مسخره می‌کردند، خبر داده و می‌فرماید:

﴿فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ (انعام: ۵).

در آیه دهم این سوره نیز عذاب مسخره‌کنندگان، تکرار شده و خدای سبحان به جهت

تسلّی خاطر نبی مکرم ﷺ (طیب، ۱۳۶۹ ش: ج ۵، ۱۷؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ ق: ج ۹، ۳۴۷) می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ (انعام: ۱۰).

۲. بررسی اجمالی آیه نشش سوره شعراء

غالب مفسران بر این عقیده‌اند که تمام آیات سوره شعراء، به استثناء چهار آیه پایانی در مکه نازل شده است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ ش: ج ۱۵، ۱۷۹). اما صاحب تفسیر المیزان، تمام آیات آن را مکی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ج ۱۵، ۳۳۱). در این سوره، سخن بر مدار تسلّی خاطر رسول خدا ﷺ به جهت تکذیب ایشان، توسط دشمنان، در گردش است (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ج ۱۵، ۲۴۹). به همین مناسبت، خدای متعال، در این آیات، دشمنان نبی خاتم ﷺ را به عذاب‌هایی تهدید می‌کند. یکی از این آیات، آیه ششم این سوره است. در این آیه، خدای سبحان، بعد از بیان تکذیب مشرکان، در مقام تهدید ایشان (حوی، ۱۴۲۴ ق: ج ۷، ۳۹۰۴؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴ ق: ج ۱۲، ۴) خبر از آمدن اخبار مسخره‌شدگان در آینده نزدیک داده و می‌فرماید:

﴿فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيَهُمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ (شعراء: ۶).

۳. بررسی اجمالی آیه ۸۸ سوره ص

سوره ص از سوره‌های مکی است (زمخشری، ۱۴۰۷ ق: ج ۴، ۷۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ج ۱۷، ۱۸۱). توییخ و تهدید مشرکان به جهت تکذیب رسول خدا ﷺ و نیز تسلّی خاطر ایشان، از اغراض اصلی این سوره به شمار می‌رود (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق: ج ۲۳، ۱۰۷). یکی از آیاتی که در مقام تهدید مشرکان است، آیه پایانی این سوره می‌باشد (زمخشری، ۱۴۰۷ ق: ج ۴، ۱۰۹؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ ش: ج ۱۹، ۳۵۲). خدای سبحان در این آیه، بعد از آن که در آیات قبلی، اخباری مبنی بر پیروزی حق، نابودی باطل و نزول عذاب بیان کرد (قرشی، ۱۳۷۵ ش: ج ۹، ۲۵۶)، بر تحقق آنها تأکید کرده و علم کافران بر خبر آنها را به عنوان تهدید بیان می‌کند. خدای متعال در این آیه می‌فرماید:

﴿وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ﴾ (ص: ۸۸).

۴. مقایسه میان آیات

با بررسی معنای اجمالی آیات مورد بحث، مشخص شد که این سه آیه، در سه ویژگی ذیل، اشتراک دارند:

(الف) هر سه آیه در سوره‌های مکی قرار دارند. بیان معارف مشابه در این سوره‌ها، از ویژگی‌های آنها می‌باشد. به عنوان نمونه، از ویژگی‌های سوره‌های مکی، پررنگ بودن معارف اصلی دین، همچون نبوت و معاد در آنها است (معرفت، ۱۳۸۱ش: ۸۳).

(ب) هر سه آیه در سیاق تهدید مشرکان به جهت تکذیب و استهزاء و تسلی دادن به رسول خدا ﷺ قرار دارند.

(ج) در هر سه آیه، رسیدن «نَبَأً» و آگاهی بر آن، به عنوان عذابِ جبهه باطل، بیان شده است.

بنابراین، با توجه به این وجوه اشتراک، این نتیجه به دست می‌آید که مفاد کلی آنها یکسان بوده و در پرتو تفسیر قرآن با قرآن، فهم هر یک از آنها، فهم دیگری را در پی دارد.

بررسی آراء مفسران

تهدید بر «أَنْبَاء» امری رمزآلود محسوب می‌شود. به همین جهت، اندیشمندان اسلامی، درصدد توجیه و تفسیر آن برآمده‌اند. در این بخش، برخی از این چاره‌جویی‌ها بیان می‌شوند.

۱. اراده عذاب از «انباء»

بسیاری از مفسران با توجه به قرینه سیاق، مراد از کلمه «أَنْبَاء» را عذاب دانسته‌اند. به عنوان نمونه فخر رازی، آیه پنجم سوره انعام را در مقام تهدید و نهی از استهزاء دانسته و می‌گوید: «از آن جا که آیه در مقام وعید و زجر است، پس مراد از اخبار، خود اخبار نیست، بلکه مراد، عذابی است که خدای متعال در قرآن از آن خبر داده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۱۲، ۴۸۴). برخی دیگر گفته‌اند مراد آیه این است که آنچه بر مسخره‌کنندگان نازل شد، بر شما نازل خواهد شد (ماتریدی، ۱۴۲۶ق: ج ۴، ۲۲). بنابراین، این تهدید به نوعی یادآور عذاب‌های گذشته است که در قرآن آمده‌اند. در آیه شش سوره شعراء نیز گروهی از مفسران بر همین عقیده‌اند. به عنوان مثال در تفسیر فتح‌القدیر و نیز روح‌المعانی آمده است که مراد از آیه، عقوبت دنیوی و اخروی مسخره‌کنندگان است و در وجه تسمیه آن به «انباء» گفته‌اند چون خدای سبحان در قرآن کریم از این عقوبت خبر داده است، آن را «انباء» نامیده است (شوکانی، ۱۴۱۴ق: ج ۴، ۱۱۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱۰، ۶۱). طبری نیز در تفسیر آیه ۸۸ سوره ص، مراد

از «نبا» را حقیقت وعده و وعیدی می‌داند که خدای متعال در قرآن از آن خبر داده است (طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۲۳، ۱۲۱) این دیدگاه نشان دهنده نگاه توصیفی به تهدید است که عذاب را به طور خاص به عنوان رویدادی که در آینده تحقق می‌یابد، تبیین می‌کند. محمدحسین طباطبایی نیز مراد از کلمه «نبا» را معنای مفعولی آن دانسته و می‌گوید:

لتعلمن ما أخبر به القرآن من الوعد و الوعيد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۷، ۲۲۸).

۲. تأویل و عاقبت اعمال

گروهی از مفسران، همچون زجاج، ابن عباس، حسن (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۴، ۴۲۶)، بغوی (بغوی، ۱۴۲۰ق: ج ۲، ۱۱۰)، ابن جوزی (ابن جوزی، ۱۴۲۵ق: ج ۱، ۹۳) و صاحب تفسیر روح البیان (حقی برسوی، بی تا: ج ۳، ۹)، مراد از انباء را تأویل و عاقبت اعمال دانسته‌اند. به عنوان مثال، طبرسی در مجمع البیان از زجاج و دیگران نقل می‌کند که در تفسیر فراز پایانی آیه پنجم سوره انعام گفته‌اند:

معناه سیعلمون ما یؤول إلیه استهزاؤهم (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۴، ۴۲۶).

تأویل در لغت به معنای عاقبت است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۱۶۲). صابونی نیز در تفسیر آیه شش سوره شعراء همین معنا را اختیار کرده و می‌گوید:

فسوف یأتیهم عاقبة ما کذبوا و استهزؤا به (صابونی، ۱۴۲۱ق: ج ۲، ۳۴۴).

این تفسیر به طور خاص بر ارتباط مستقیم استهزاء با نتایج عملی آن تأکید می‌کند که به عنوان عاقبت و نتیجه نهایی در نظر گرفته می‌شود. در آیه ۸۸ سوره ص نیز برخی از مفسران بر همین عقیده‌اند (ابن عربی، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ۱۹۶).

۳. مجازگویی و کنایه

گروهی از مفسران، معتقدند که در این آیات، مجازگویی صورت گرفته و خدای متعال، انباء را به عنوان کنایه از مجازات دنیوی و اخروی کافران بیان کرده است (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ج ۷، ۲۳۴؛ ابوحیان، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۶۵۵). برخی همچون شیخ طوسی این نوع از بیان را مثلی عرفی دانسته‌اند که در مقام تهدید استعمال می‌شود (طوسی، بی تا: ج ۴، ۸۰) این گروه به طور کلی به استفاده قرآن از ابزارهای بلاغی توجه دارند که برای ایجاد ترس و تهدید در دل مخاطب به کار می‌رود. ایشان، آیه ۶ سوره شعراء را نیز به همین صورت تفسیر کرده و گفته‌اند:

وقد جرت العادة فیمن یشیء أن یقال له ستری حالك من بعد علی وجه الوعيد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۴، ۴۲۶).

۴. تقدیر محذوف

برخی از مفسران در توجیه معنای این آیات، کلمه «مضمن» را پیش از کلمه «انباء» در تقدیر گرفته و گفته‌اند مراد از آیه، آمدن مضمون و محتوای اخبار قرآن، به سوی کافران است (ابن عطیه، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ۲۶۸). ابوحیان نیز در تفسیر آیه پنج سوره انعام به همین معنا اشاره کرده و می‌گوید:

فی الکلام حذف مضاف ای: فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ مضمّنُ أنباء (ابوحیان، ۱۴۲۰ق: ج ۴، ۴۳۷).

این دیدگاه، به نظر می‌رسد که به طور خاص بر تأکید بر وجود محتوای معین و پیام خاص در این اخبار تأکید دارد که در آینده برای کافران آشکار خواهد شد. در آیه ۶ سوره شعراء نیز برخی کلمه «واقع» را در تقدیر گرفته و در معنای آیه گفته‌اند:

فسیأتهم واقع أنباء ما كانوا به یکذبون و یستهزئون من وعید (میدانی، ۱۳۶۱ش: ج ۸، ۵۷۳).

برخی دیگر در ترجمه آیه، کلمه مصداق را پیش از انباء در تقدیر گرفته‌اند (طنطاوی، ۱۹۹۷م: ج ۱۰، ۲۳۴). همچنین ابن عطیه در آیه ۸۸ سوره ص کلمه «صدق» را محذوف دانسته و آیه را این گونه معنا کرده است که «به زودی راستی و درستی خبر قرآن را خواهید دانست» (ابن عطیه، ۱۴۲۲ق: ج ۴، ۵۱۶).

۵. اتیان به معنای تحقق

ابن عاشور در تفسیر التحریر و التنویر بیان می‌دارد که اخبار عذاب، در زمان نزول آیه، به کافران رسیده بود، پس معنا ندارد که خدای متعال، خبر از آمدن اخبار در زمان آینده بدهد. بنابراین، ممکن است کلمه «اتیان» همانند آیه «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ» (نحل: ۱) در معنای «تحقق» به کار رفته باشد. یعنی به زودی اخبار عذاب موعودی که در قرآن بیان شده‌اند، تحقق خواهند یافت. وی در این باره می‌گوید: «[یحتمل] أن يكون الإتيان بمعنى التحقق كما في قوله: «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ» (نحل: ۱)، أي تحقق، أي سوف تتحقق أخبار الوعيد الذي توعدهم به القرآن الذي كانوا يستهزئون به» (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۱۹، ۱۱۴-۱۱۵) در این دیدگاه، توجه به مفهوم تحقق در برابر «آینده» نشان دهنده تأکید بر وقوع قطعی وعده‌های الهی است.

۶. تعمد در ابهام

سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن، بر این عقیده است که خدای سبحان از روی تعمد، این فراز از آیه را به صورت مبهم بیان کرده است. علت این تعمد در ابهام، تمسخر کافران است.

یعنی از آن جا که کافران، آیات الهی را به استهزاء می گرفتند، خدای متعال نیز در مقام تهدید ایشان، آنها را به استهزاء می گیرد، زیرا کافران، پس از چشیدن طعم عذاب، به هلاکت خواهند رسید و فرصتی برای آگاهی بر اخبار عذاب نخواهند داشت، بلکه خود تبدیل به ابزاری خواهند شد که مایه عبرت دیگران باشند. این اشاره به نوعی سرنوشت اجتناب ناپذیر است که خود کافران به آن دچار خواهند شد و نه تنها از عذاب خبری نمی گیرند، بلکه خود تبدیل به اخبار عبرت آمیز برای دیگران می شوند. وی در این باره می گوید:

هم لن یتلقوا أخبارا. إنما سیدوقون العذاب ذاته، و یصبحون هم أخبارا فیه، یتناقل الناس ما حل بهم منه. و لکنهم یستهزءون فیستهزء بهم مع التهديد المرهوب (سید قطب، ۱۴۲۵ق: ج ۵، ۲۵۸۵).

دیدگاه منتخب

تحلیل و مقایسه این آیات و همچنین بررسی دیدگاه مفسران، به روشنی نشان می دهد که تهدید به «انباء» در این آیات، به معنای آوردن حقیقتی است که پیش تر به تمسخر گرفته شده، نه صرفاً به عنوان اخبار عادی، بلکه اشاره ای به تحقق عذاب یا اتفاقات شوم است. نکته ای که در بسیاری از تفاسیر جلب توجه می کند این است که اکثر مفسران به دلیل تناسب سیاق آیات با تهدیدات آینده، مراد از «انباء» را عذاب می دانند. این انتخاب، در واقع ناشی از توجه به مفهوم ویژه وائزه «نبا» در قرآن است که در موارد مختلف به معنای حقیقت یا اخبار مهم و حتمی آمده است.

به نظر می رسد کشف مراد خداوند از کلمه «انباء» در آیات مورد بحث، نیازمند بررسی سیاق هریک از آنهاست. در این بخش سیاق هر یک از این آیات مورد بررسی قرار می گیرد.

۱. دلالت آیه پنجم سوره انعام بر تحقق حتمی عصر ظهور

خدای سبحان در آیه چهارم سوره انعام، گروهی را به جهت روی گردانی از آیات الهی، مورد عتاب قرار داده و می فرماید:

﴿وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ﴾ (انعام: ۴).

آیه شریفه، مراد از این گروه را به طور صریح بیان نمی کند، اما بسیاری از مفسران، مراد از ایشان را کافرانی دانسته اند که در آیه اول این سوره، به آنها اشاره شده است (برای نمونه: طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۷، ۹۵؛ طوسی، بی تا: ج ۴، ۷۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۴، ۴۲۶). ویژگی این کافران، برابر قرار دادن تاریکی ها و نور است. خدای سبحان در آیه اول این سوره، پس از

ستایش خود به جهت آفرینش آسمان ها و زمین و جعل تاریکی ها و نور، کافرانی را که تاریکی ها و نور را مساوی می دانند، مورد سرزنش قرار داده و می فرماید:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ﴾ (انعام: ۱).

برخی از مفسران مراد از کلمات «الظُّلُمَاتِ» و «النُّور» را مسیر گمراهی و هدایت دانسته اند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۱۲، ۴۷۸). بر پایه روایات معصومان علیهم السلام، در برخی از آیات، کلمه «السَّمَاء» به نبی اکرم صلی الله علیه و آله (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۲۴؛ قمی، ۱۳۶۳ش: ج ۲، ۳۴۳؛ کوفی، ۱۴۱۰ق: ۴۴۱) و «الْأَرْض» به اهل بیت علیهم السلام (مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۲۹) معنا شده است. نیز مراد از کلمه «الظُّلُمَاتِ» ولایت حاکمان طاغوت و مراد از کلمه «النُّور» ولایت اهل بیت علیهم السلام دانسته شده است (برای نمونه: عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۱، ۱۳۹؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ج ۳، ۸۰). بنابراین، در این آیه، ابتدا خدای متعال، به جهت آفریدن اهل بیت علیهم السلام و سپس به خاطر جعل ولایت ایشان و ولایت حاکمان طاغوت ستایش شده است. تعبیر «جَعَلَ» برای ظلمات و نور، از این جهت است که کلمه «جَعَلَ» به معنای قرار و عبارت از آثاری است که براساس نظام خلقت، در طبع موجود نهاده شده است، مانند نور آفتاب که لازم وجود آن است (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق: ج ۵، ۲۲۱). در واقع، این کلمه در مرتبه بعد از خلقت و در حالتی بعد از وجود، به کار می رود (قرشی، ۱۳۷۱ش: ج ۲، ۳۹)، یعنی به عنوان صفتی برای موجود استعمال می شود. بنابراین اگر به معنای ظاهری آیه توجه کنیم، نور و ظلمت، آفرینشی جدای از آفرینش آسمان و زمین ندارند، بلکه نور، با آفرینش منبع نور ایجاد می شود و اثر وجود آن است. ظلمت نیز امری عدمی است که از نبود نور، انتزاع می شود. پس هیچ یک از نور و ظلمت، آفرینش مستقلی ندارند، به همین خاطر، از این تعبیر، استفاده نمود. اگر به معنای باطنی آیه نیز توجه شود، همین تناسب مشاهده می گردد. خدای سبحان تعبیر به «جَعَلَ» نمود، چون ولایت اهل بیت علیهم السلام، فرع بر خلقت آن ها و از آثار وجودی ایشان بوده و وجود مستقلی ندارد. ظلمات نیز، هر آن چیزی است که در مقابل ولایت امامان حق قرار گیرد. هر جا ولایت ائمه علیهم السلام نیست، ولایت طاغوت بر آن حکم فرماست. به همین خاطر، آیه شریفه، کلمه «خلقت» را در وجود مبارک ایشان و کلمه «جَعَلَ» را در ولایت آنها به کار برده است. در واقع خدای سبحان با این بیان، خبر از وقوع نبردی می دهد که یک طرف آن جبهه نور و طرف دیگر آن، جبهه کفر و ظلمت قرار دارد. نبردی که براساس معنای بیان شده برای «جَعَلَ»، محور آن، وجود مبارک اهل بیت علیهم السلام هستند و هر آنچه در جهان واقع می شود، تابعی از خلقت ایشان است. در

خصوص جمله «ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَغْدِلُونَ» (انعام: ۱) ممکن است مفعول «يَغْدِلُونَ» حذف شده باشد. یعنی کلمه «بِرَبِّهِمْ» را متعلق به «يَغْدِلُونَ» دانسته و کلمه «غَيْرَهُ» را محذوف بدانیم: «يَغْدِلُونَ بِرَبِّهِمْ غَيْرَهُ» (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۶، ۱۲). اما براساس برخی از روایات، کلمه «بِرَبِّهِمْ» متعلق به «كَفَرُوا» است و مراد از «يَغْدِلُونَ» برابر دانستن ظلمات و نور، یعنی اهل بیت (علیهم السلام) و دشمنان ایشان است. یعنی مفعول «يَغْدِلُونَ» محذوف است و به قرینه ظلمات و نور، فهمیده می شود. در این روایت آمده است:

يَغْدِلُونَ بَيْنَ الظُّلُمَاتِ وَ النُّورِ وَ بَيْنَ الْجُورِ وَ الْعَدْلِ (عریضی، ۱۴۰۹ق: ۳۴۶؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۱، ۳۵۴).

بنابراین، کافرانی که در آیه «وَ مَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ» (انعام: ۴) از آنها یاد شده، کسانی هستند که ولایت امامان باطل را در مقابل ولایت امامان حق قرار می دهند.

در مراد از جمله «آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ»، عبارات مختلفی از مفسران نقل شده است. «دلیل» (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۵) نشانه های ربوبیت خدا (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق: ج ۹، ۳۳۶) انشقاق ماه (مقاتل، ۱۴۲۳ق: ج ۱، ۵۴۹) چیزی از کتاب خدا (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق: ج ۴، ۱۲۶۳) معجزات و آیات قرآن (طوسی، بی تا: ج ۴، ۷۹) از جمله مواردی است که در تفسیر این کلمه بیان شده است. اما در روایات اهل بیت (علیهم السلام) کلمه «آیات» به امامان حق معنا شده و «اتیان و آمدن آیات» به اتیان و ظهور ایشان و حجج الهی تفسیر شده است. به عنوان مثال، امام صادق (علیه السلام) در تبیین آیه «قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا» (طه: ۱۲۶) مراد از آن را اهل بیت (علیهم السلام) دانسته و می فرمایند: «الآيَاتُ الْأَيْمَةُ فَنَسِيتَهَا» (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ۴۲۲) و یا درباره آیه شریفه «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ» (انعام: ۱۵۸) همین بیان را به کار برده و فرموده اند: «الآيَاتُ هُمُ الْأَيْمَةُ وَ الْآيَةُ الْمُنتَظَرَةُ الْقَائِمُ» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۳۶). همچنین در تفسیر آیه «الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا» (انعام: ۳۹) تمام موارد استعمال این کلمه در قرآن را به معنای امامان حق دانسته و می فرمایند: «كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فِي بَطْنِ الْقُرْآنِ أَنْ كَذَّبُوا بِالْأَوْصِيَاءِ كُلِّهِمْ» (قمی، ۱۳۶۳ش: ج ۱، ۱۹۹). بنابراین، در آیه چهارم سوره انعام، خدای سبحان، بعد از بیان نبرد ظلمات و نور، مردم را به خاطر روی گردانی از پرچم داران جبهه نور، توبیخ و سرزنش می کند.

آیه پنجم، به دلالت حرف «فاء»، نتیجه اعراض را تکذیب حق عنوان کرده و می فرماید: «فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ» (انعام: ۵). گروهی از مفسران، در مقام تفسیر ظاهر آیه، مراد از

کلمه «حق» را قرآن دانسته‌اند که توسط رسول خدا ﷺ به سوی ایشان آمده است (برای نمونه: مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ج ۱، ۵۴۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۶؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ۳۶۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ۸۸). برخی نیز، آن را به شخص نبی اکرم ﷺ تفسیر کرده (طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۷، ۹۵) و چنین دلیل آورده‌اند که ایشان، بزرگ‌ترین نشانه خدای متعال هستند (ماتریدی، ۱۴۲۶ق: ج ۴، ۲۱). همچنین طبرانی از ابن مسعود نقل می‌کند که وی، معجزات ایشان را مصداق «حق» دانسته است (طبرانی، ۲۰۰۸م: ج ۳، ۸) برخی نیز بر این عقیده‌اند که مراد از آن، شریعت و دین رسول خاتم ﷺ است (طوسی، بی‌تا: ج ۴، ۱۸۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۴، ۴۲۶). فخر رازی نیز تمام این موارد را برای تفسیر «حق»، شایسته می‌داند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۱۲، ۴۸۴). اما در بعضی از روایات «مجیء حق» به ظهور دولت ائمه ﷺ تفسیر شده است. به عنوان نمونه، آیه شریفه «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ» (اسراء: ۸۱) به قیام حضرت قائم ﷺ و نابودی دولت باطل تفسیر شده است (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۱۵، ۶۵۱). نیز امام باقر ﷺ در تفسیر آیه «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ» (انفال: ۷) می‌فرماید: «مراد، حق آل محمد ﷺ است که در زمان ظهور قائم ﷺ احقاق خواهد شد» (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۲، ۵۰). همچنین در آیه ۱۷۰ سوره نساء، کلمه «حق» به ولایت امیرمؤمنان ﷺ تفسیر شده است (قمی، ۱۳۶۳ش: ج ۲، ۹۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۱، ۲۸۵؛ کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ۳۹۲).

در ادامه این آیه، خدای متعال، کافران را تهدید به عذاب کرده (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۱۲، ۴۸۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۷، ۱۷) و می‌فرماید: «فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» (انعام: ۵). برخی از مفسران، جمله «ما کَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» را مفسر کلمه «انباء» دانسته و گفته‌اند این اضافه از نوع اضافه بیانیه است (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ۸۹). در اضافه بیانیه، مضاف الیه، نوعی بیان برای مضاف است و ضابطه تشخیص آن، این است که می‌توان مضاف را مبتدا و مضاف الیه را خبرش قرار داد (ذهنی تهرانی، ۱۳۷۱ش: ۹۴)، بنابراین، «انباء» همان «ما کَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» است، یعنی همان چیزی که توسط کافران مورد تمسخر قرار می‌گرفت، به زودی به سوی ایشان خواهد آمد. از این جمله به دست می‌آید که جبهه باطل، علاوه بر تکذیب حق، آن را به استهزاء و سخره می‌گرفتند (طوسی، بی‌تا: ج ۴، ۸۰؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ق: ج ۴، ۴۳۷). روایات تفسیری که در مقام بیان باطن قرآن هستند، متعلق «استهزاء» در قرآن را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این احادیث، کلمه «استهزاء» در آیه شریفه «فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» (نحل: ۳۴) به عذاب در رجعت تأویل شده است (قمی، ۱۳۶۳ش: ج ۱، ۳۸۵). در آیه ۸ سوره هود نیز خدای متعال، خبر از گروهی می‌دهد

که وقتی وعده ظهور به آنها داده می‌شود، آن را به سخره می‌گیرند و به همین مناسبت، خداوند به ایشان وعده عذاب داده و می‌فرماید: ﴿وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ (هود: ۸) در تفسیر این آیه آمده است که مراد از آن، ظهور حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۴۱). هم‌چنین در تفسیر آیه ۱۴ سوره بقره آمده است که گویندگان ﴿إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ﴾ (بقره: ۱۴) دشمنان امیرمؤمنان علیه السلام می‌باشند که به دنبال توطئه علیه حکومت ایشان بودند (امام یازدهم، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۱۲۰).

براساس آنچه گفته شد، مشخص گردید که این آیات پیرامون گروهی صحبت می‌کنند که به مخالفت با دولت امامان حق پرداخته و آن را به سخره می‌گیرند. بسیار مناسب است که خدای متعال در پاسخ و تهدید این گروه، بر تحقق حتمی حکومت جبهه حق تأکید ورزد، تا هم سخن ایشان را باطل کند و هم آنها را به عذاب آن دوران، تهدید نماید. در نتیجه با توجه به موارد استعمال کلمه «استهزاء» و نیز اضافه بیانیه «انباء» به «ما کَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ»، می‌توان مراد از کلمه «انباء» را حکومت اهل بیت علیهم السلام در پایان تاریخ دانست. تفسیر کلمه «نبأ» در روایات متعدد، به ولایت و حکومت اهل بیت علیهم السلام نیز، این معنا را تأیید می‌کند. به عنوان نمونه امام صادق علیه السلام در آیات ﴿عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ﴾ (نبأ: ۱-۲) مراد از «النَّبَاِ الْعَظِيمِ» را ولایت و حکومت اهل بیت علیهم السلام دانسته‌اند (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ۳۸۰). این معنا در آیه ۸۸ سوره «ص» (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۱۵، ۶۵۰) و نیز آیات ﴿قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ أَنتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ﴾ (ص: ۶۷-۶۸) نیز بیان شده است (صفار، ۱۴۰۴ق: ۲۰۷). کلمه «نبأ» به معنای خبری است که فایده بزرگی داشته باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۷۸۸) و در وجه صحت استعمال آن در ولایت اهل بیت علیهم السلام گفته‌اند که از طرفی «نبأ» در قرآن کریم، خبری است که دارای این ویژگی‌ها باشد: «پیوسته موضوع پرس و جو بودن»، «مهم بودن در سرنوشت انسان» و «وجود اختلاف در آن به طوری که منشأ اختلاف و چند دستگی باشد». از طرف دیگر، مسئله ولایت اهل بیت علیهم السلام نیز تمام این ویژگی‌ها را دارا می‌باشد (رحیم زاده، میرزایی، ۱۳۹۹ش: ۴۵-۴۶). بنابراین، با توجه به موارد کاربرد مفردات آیات در قرآن کریم، خدای سبحان در آیه پنج سوره انعام می‌فرماید:

جبهه باطل، از دولت اهل بیت علیهم السلام روی گردان شده و با تمسخر و خرافه خواندن آن، تشکیل حکومت حق را دروغ می‌انگارد، اما به زودی وعده خدا درباره پایان تاریخ محقق شده و ولایت و حکومتی (انباء) که آن را به استهزاء می‌گرفتند، بر ایشان آشکار خواهد شد.

۲. دلالت آیه ششم سوره شعراء بر تحقق حتمی عصر ظهور

آیه سوم سوره شعراء، خبر از ناراحتی عمیق رسول خدا ﷺ نسبت به عدم ایمان گروهی از جامعه داده و می‌فرماید: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (شعراء: ۳). کلمه «بخع» به معنای خودکشی از شدت اندوه است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۱۰). این موضوع، با عبارات دیگری همچون «ضیق صدر» و «حزن» در آیاتی نظیر آیات ۶ سوره کهف، ۳۳ و ۳۵ سوره انعام، ۱۲۷ سوره نحل، ۷۰ سوره نمل، ۱۲ سوره هود، ۸۸ و ۹۷ سوره حجر نیز بیان شده است. آیه شریفه، مراد از این گروه را به طور صریح بیان نمی‌کند. همچنین در خصوص متعلق ایمان نیز ساکت است. برخی از مفسران، ایشان را کافران مکه (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ج ۳، ۲۵۸؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ۵۴۹؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ج ۱۴، ۳۰۲) و متعلق ایمان را قرآن دانسته‌اند (تیمی، ۱۴۲۵ق: ج ۲، ۴۹۵؛ طوسی، بی‌تا: ج ۸، ۵). اما احادیث اهل بیت علیهم السلام متعلق ایمان را ولایت امیرمؤمنان علی (ع) عنوان کرده و علت حزن نبی مکرم ﷺ را عدم اجتماع مردم، پیرامون علی (ع) دانسته‌اند (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۱، ۱۹۷؛ کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ۲۴-۲۸). براساس این روایات، حزن و دلتنگی پیامبر ﷺ در این آیات، از این جهت بود که هنگام طرح مسئله جانشینی امیرمؤمنان علی (ع)، گروهی از مسلمان‌ها به جهت حسادت و دشمنی با اهل بیت علیهم السلام گفتند: «این مطلب را خداوند نازل نکرده است، بلکه او می‌خواهد دست پسر عمویش را بالا برده و بر ما برتری دهد.» رسول خدا ﷺ بر این گفتار، آگاه شده و اندوهگین شدند (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ۲۴-۲۸؛ طبری آملی، ۱۳۸۳ق: ۱۹۶). در تبیین سبب نزول آیه ۱۲ سوره هود نیز امام صادق علی (ع) بیان می‌دارند که نبی اکرم ﷺ از خدای متعال، درخواست دوستی و جانشینی علی (ع) را نمودند، در این حال، مردی از قریش با تحقیر این دعا، آن را تقبیح کرد، این مطلب باعث حزن و اندوه رسول خدا ﷺ گردید، پس این آیه نازل شد: «فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضٌ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ» (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۱۵، ۸۳۰). ابن شهر آشوب، این حدیث را مربوط به آیه سوم شعراء می‌داند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ج ۲، ۳۴۲)، اما با توجه به اسناد آن به تفسیر عیاشی، به نظر می‌رسد به جهت مشابهت این دو آیه، دچار خطا شده است. در آیه چهارم سوره شعراء، خدای سبحان می‌فرماید: «إِنْ نَشَأْ نُنْزِلْ عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ» (شعراء: ۴) یعنی اگر اراده کنیم، نشانه‌ای از آسمان بر آنها فرود می‌آوریم که به آن ایمان آورده و در مقابل آن خاضع شوند. حرف «ان» گاهی بر تحقق حتمی شرط دلالت می‌کند (تفتازانی، بی‌تا: ۸۹-۹۰) و از آن جا که این آیه در سیاقی تسلی خاطر رسول خدا ﷺ (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۵، ۲۵۰) به جهت عدم اجتماع مردم پیرامون

امیرمؤمنان علیه السلام قرار دارد، به نظر می‌رسد به جهت آرامش قلب ایشان، خبر از تحقق این اجتماع، در آینده می‌دهد. به عبارت دیگر، سیر منطقی سیاقِ تسلی، این است که برای زدودن اندوه پیامبر صلی الله علیه و آله، خبر از زوال علت آن بدهد و چون علت اندوه رسول خدا صلی الله علیه و آله عدم ایمان جامعه به جانشین ایشان است، بسیار مناسب است که در آیه چهارم، خبر از ایمان مردم به ایشان بدهد. براساس منابع اسلامی، اجتماع مردم پیرامون امام حق، تنها در عصر ظهور واقع خواهد شد. بنابراین می‌توان گفت که آیه چهارم سوره شعراء، به جهت تسلی به نبی اکرم صلی الله علیه و آله، خبر از تحقق عصر ظهور ولایت الهی در جوامع بشری می‌دهد. احادیث متعددی در تأیید این معنا در منابع روایی شیعی وجود دارند که زمان تحقق آیه چهارم سوره شعراء را عصر ظهور حضرت حجت علیه السلام دانسته‌اند (قمی، ۱۳۶۳ ش: ج ۲، ۱۱۸؛ نعمانی، ۱۳۹۷ ق: ۲۵۱؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق: ج ۲، ۳۷۱-۳۷۲). عبدالحسین طیب در تفسیر خود در این باره می‌نویسد:

اخبار بسیار بالغ بر چهارده حدیث از ائمه اطهار رسیده که این آیه که از آسمان نازل می‌شود، صیحه آسمانی است که قبل از ظهور حضرت بقیه الله ظاهر می‌شود و از علائم ظهور است. مثل خروج سفیانی، خسف بیداء، خروج خراسانی با علم‌های سیاه، قتل نفس زکیه و غیر اینها و در بعض اخبارش دارد که نداءکننده امیرالمؤمنین است در چشمه خورشید و در بعضی جبرئیل ندا می‌کند که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله ظاهر شد باسم و نسب او تا امیرالمؤمنین و در عصر همان روز شیطان ندا می‌کند و دعوت می‌کند بطرف سفیانی از شام. اهل حق به نداء اول متوجه مکه می‌شوند و اهل باطل بطرف شام و روزگار آنها تباه می‌شود که مفاد این آیه شریفه است (طیب، ۱۳۶۹ ش: ج ۱۰، ۳-۴).

آیه پنجم سوره شعراء، همانند آیه چهارم سوره انعام، این گروه را به جهت روی گردانی از ذکر الهی، مذمت کرده و می‌فرماید: ﴿وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مِنَ الرَّحْمَنِ مُخَدَّثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ﴾ (شعراء: ۵). در آیه چهارم سوره انعام، بیان شد که برخی از احادیث اهل بیت علیهم السلام تمام موارد استعمال کلمه «آیات» را به امامان حق معنا کرده‌اند (قمی، ۱۳۶۳ ش: ج ۱، ۱۹۹). کلمه «ذکر» نیز در روایات متعددی به اهل بیت علیهم السلام و ولایت ایشان معنا شده است (قمی، ۱۳۶۳ ش: ج ۲، ۴۷؛ کوفی، ۱۴۱۰ ق: ۲۶۱؛ کلینی، ۱۴۲۹ ق: ج ۲، ۴۲۲). مجلسی در علت توصیف اهل بیت علیهم السلام به کلمه «ذکر» می‌گوید:

فسر الذکر بأمیرالمؤمنین علیه السلام علی المثال و المراد جمیع الأئمة علیهم السلام، فإنهم یذكرون الناس ما فیہ صلاحهم من علوم التوحید و المعاد و سائر المعارف و الشرائع و الأحکام (مجلسی،

۱۴۰۴ق: ج ۵، ۱۳۳).

بنابراین، آیه پنجم سوره شعراء نیز، اعراض کنندگان از امامان حق را مورد عتاب قرار می دهد. سپس، در آیه ششم، همانند آیه پنجم سوره انعام، این گروه را به جهت تکذیب و تمسخر «ذکر الهی» تهدید کرده و می فرماید: «فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» (شعراء، ۶). با توجه به آن چه در تبیین معنای «انباء» در آیه پنج سوره انعام گفته شد، خدای سبحان در این آیه، خبر از ظهور حکومت حق در آینده نزدیک داده و کافران را به این واسطه، تهدید می کند.

۳. دلالت آیه ۸۸ سوره ص بر تحقق حتمی عصر ظهور

آیات ۵۵ تا ۶۴ سوره ص، ستیزه گری و گفتگوهای خصمانه اهل جهنم را نقل می کنند. در آیه ۶۲ آمده است: «وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رَجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ» (ص: ۶۲) صاحب تفسیر المیزان در تفسیر این آیه شریفه مراد از «رَجَالًا» را مؤمنانی دانسته که اهل آتش به دنبال ایشان هستند اما آنها را نمی یابند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۷، ۲۲۰). امام صادق علیه السلام مراد از این مؤمنان را تنها پیروان اهل بیت علیهم السلام دانسته و می فرماید: «وَاللَّهِ مَا عَنَى وَلَا أَرَادَ بِهَذَا غَيْرَكُمْ، صِرْتُمْ عِنْدَ أَهْلِ هَذَا الْعَالَمِ شِرَارَ النَّاسِ وَأَنْتُمْ وَاللَّهُ فِي الْجَنَّةِ تُخَبَّرُونَ وَفِي النَّارِ تُظْلَبُونَ» (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۱۵، ۱۰۴). این حدیث در سایر منابع با اندکی تغییر نیز نقل شده است (قمی، ۱۳۶۳ش: ج ۲، ۲۴۳؛ کوفی، ۱۴۱۰ق: ج ۳۶۱). در آیه ۶۳، کافران در ادامه گفتگوی خود، خبر از تمسخر این مؤمنان در عالم دنیا داده (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۷، ۲۲۰) و می گویند: «أَتَخَذْنَاهُمْ سِخْرِيَا» (ص: ۶۳) با توجه به آنچه در خصوص متعلق استهزاء در آیه ۵ سوره انعام گفته شد، مشخص می شود که کافران، حکومت این مؤمنان را مورد تمسخر قرار می دادند. خدای متعال در آیات ۶۷ و ۶۸ پس از بیان مخاصمه کافران، به رسول خود می گوید به این کافران بگو: «هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ» (ص: ۶۷-۶۸). امام صادق علیه السلام در تبیین این آیات، مراد از خبر بزرگی را که کافران از آن اعراض می کنند، امامت اهل بیت علیهم السلام دانسته و می فرماید: «النَّبَأُ الْإِمَامَةُ» (صفار، ۱۴۰۴ق: ۲۰۷). پس از این بیان، خدای سبحان، به بیان ماجرای استکبار ابلیس در عدم سجده بر آدم، پرداخته و در آخرین آیه این سوره، ابلیس و جبهه او را به فرا رسیدن «نبا» تهدید کرده و می فرماید: «وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ» (ص: ۸۸). در تبیین این آیه شریفه، امام باقر علیه السلام، زمان تحقق آن را عصر قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشريف دانسته اند (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۱۵، ۶۵۰). یعنی خدای متعال، جبهه ابلیس را به حکومتی که در عصر ظهور تحقق خواهد یافت تهدید می کند.

نتیجه‌گیری

قرآن کریم، در آیات پنج سوره انعام، شش سوره شعراء و ۸۸ سوره ص، گروهی از کافران را تهدید به «اِتیان اَنْباء» می‌کند. اما آگاهی بر خبر، تناسبی با مقام تهدید ندارد، به همین جهت، مفسران در توجیه آن برآمده و نظرات مختلفی همچون مجازگویی، تقدیر محذوف و تعمد در ابهام بیان کرده‌اند. با مراجعه به احادیث اهل بیت علیهم‌السلام پرده از معنای پنهان این آیات برداشته می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در این روایات، کلمه «اَنْباء» به دولت امامان حق معنا شده است. همچنین این احادیث در موارد متعددی، متعلق استهزاء کافران را حکومت اهل بیت علیهم‌السلام در عصر ظهور دانسته‌اند. نتایج این تحقیق با کنار هم قرار دادن این احادیث و سیاق آیات حاکی است که کافران با تکذیب دولت امامان حق، آن را به استهزاء می‌گرفتند و خدای متعال در مقام تهدید ایشان، خبر از تحقق این دولت در عصر ظهور می‌دهد.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، ریاض: مکتبة نزار مصطفى الباز.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمة*، تهران: اسلامیه.
۳. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق)، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، بیروت: دارالکتاب العربی.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، *مناقب آل ابی طالب علیهم‌السلام*، قم: علامه.
۵. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق)، *التحریر و التنویر*، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
۶. ابن عربی، محمد بن علی (۱۴۲۲ق)، *تفسیر ابن عربی*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۷. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق)، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۸. ابن فارس، احمد بن (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، محقق/مصحح: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۹. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

۱۰. ابوحيان، محمد بن يوسف (۱۴۲۰ق)، *البحر المحيط فی التفسیر*، بیروت: دارالفکر.
۱۱. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۲. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق)، *تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۳. تفتازانی، مسعود بن عمر (بی تا)، *مختصر المعانی*، قم: دارالفکر.
۱۴. تیمی، یحیی بن سلام (۱۴۲۵ق)، *تفسیر یحیی بن سلام التیمی البصری القيروانی*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۵. حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴ق)، *انوار درخشان*، تهران: لطفی.
۱۶. حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی (بی تا)، *روح البیان*، بیروت: دارالفکر.
۱۷. حوی، سعید (۱۴۲۴ق)، *الاساس فی التفسیر*، قاهره: دارالسلام.
۱۸. ذهنی تهرانی، سید محمد جواد (۱۳۷۱ش)، *قواعد صرف و نحو و روش تجزیه و ترکیب*، قم: سید محمد جواد ذهنی تهرانی.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، دمشق و بیروت: دارالعلم و الدار الشامیه.
۲۰. رحیم زاده، سید مسلم، میرزایی، محمد (۱۴۰۰ش)، «مفهوم سنجی روایی و زبان شناختی «النبأ العظیم» در سوره نبأ»، *شیعه پژوهی*، ۷ (۱۹).
۲۱. زمخشری، جارالله محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال* فی وجوه التاویل، بیروت: دارالکتب العربی.
۲۲. سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶ق)، *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*، بیروت: دارالفکر.
۲۳. شاذلی، ابراهیم حسین (۱۴۲۵ق)، *فی ظلال القرآن*، بیروت: دارالشروق.
۲۴. شوکانی، محمد (۱۴۱۴ق)، *فتح القدر*، دمشق: دار ابن کثیر.
۲۵. صابونی، محمد علی (۱۴۲۱ق)، *صفوة التفاسیر*، بیروت: دارالفکر.
۲۶. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق)، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة*، قم: فرهنگ اسلامی.
۲۷. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام*، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.

۲۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۹. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م)، *التفسیر الکبیر*، اردب: دارالکتاب الثقافی.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق)، *جوامع الجامع*، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۳۲. طبری آملی، عماد الدین ابی جعفر (۱۳۸۳ق)، *بشارة المصطفی لشعبة المرتضی*، نجف: المكتبة الحیدریة.
۳۳. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفة.
۳۴. طنطاوی، محمدسید (۱۹۹۷م)، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، قاهره: نهضة مصر.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۶. طبیب، عبدالحسین (۱۳۷۸ش)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات اسلام.
۳۷. عریضی، علی بن جعفر (۱۴۰۹ق)، *مسائل علی بن جعفر و مستدرکات ها*، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۳۸. علی، حسن بن (۱۴۰۹ق)، *التفسیر المنسوب الی الامام الحسن بن علی العسکری علیه السلام*، قم: مدرسه الامام المهدي علیه السلام.
۳۹. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، تهران: المطبعة العلمية.
۴۰. فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۱. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱ش)، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۴۲. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۳۷۵ش)، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران: بنیاد بعثت (مرکز چاپ و نشر).
۴۳. قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۲۰۰۰م)، *لطائف الاشارات: تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم*، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
۴۴. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش)، *تفسیر القمی*، قم: دارالکتاب.
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، *الکافی*، قم: دارالحديث.
۴۶. کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم (۱۴۲۶ق)، *تفسیر فرات الکوفی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۴۷. ماتریدی، محمد بن محمد (۱۴۱۰ق)، *تأویلات أهل السنة*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۴۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول ﷺ*، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۴۹. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۱ش)، *علوم قرآنی*، قم: التمهید.
۵۰. مفید، محمد بن محمد نعمان (۱۴۱۳ق)، *الإختصاص*، قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید.
۵۱. مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۱ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۵۳. میدانی، عبدالرحمن حسن حبنکه (۱۳۶۱ش)، *معارض التفکر و دقائق التدبر*، دمشق: دارالقلم.
۵۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبة*، تهران: نشر صدوق.